کشورهای پیشرفته با مزیت‌های کشاورزی بر دنیا حکومت می کنند

مهدی ناظری
Mehdinazeri54@ gmail.com

مبانی کشاورزی براساس توسعه پایدار بر این نکته دلالت دارد که کشورها براساس توانایی‌ها و ظرفیت تولیدی‌ای که دارند، برای خود در کشاورزی برنامه و الگوی کشت مناسبی را انتخاب کنند که با منابع موجود کشورشان همخوانی داشته باشد. کما اینکه کشورهای خشک و کم آب نمی‌توانند به تولید محصولاتی که نیاز آبی بالایی دارند بپردازند، چرا که تولید چنین محصولاتی برای این کشورها گران تمام می‌شود در حالی که می‌توانند این محصولات را بسیار ارزان قیمت‌تر از کشورهای دیگری که استعداد تولید بیشتر دارند، وارد کرده و در مقابل محصولی را که استعداد بیشتری در تولید آن دارند با مصرف کمتری از آب، تولید و حتی صادر کنند.

در این خصوص غلامرضا سلطانی، متخصص اقتصاد کشاورزی، خودکفایی در محصولات کشاورزی را یک مزیت نسبی می‌داند و می‌گوید: مزیت نسبی ثابت نبوده و به‌طور دایم در حال تغییر است، چرا که این مزیت تابع تکنولوژی و تابع کارایی استفاده از منابع است.

این کارشناس با اشاره به اینکه هر کشوری برای خود برخی محصولات را استراتژیک می‌داند، ضمن تایید این موضوع ادامه می‌دهد: برای ایران گندم می‌تواند یک محصول استراتژیک باشد و به همین دلیل می‌توانیم این اصل اقتصادی را برای گندم به کار نبریم، ولی حتی در مورد این محصول نیز با توجه به منابع آب زیرزمینی و محدودیتی که در این زمینه در کشور موجود است، طی سال‌های اخیر ثابت شده که استفاده بی‌حد از منابع آب زیرزمینی برای بالا بردن تولید گندم به قیمت ناپایداری کشاورزی تمام شده است.

مزیت‌ها، عامل حکمرانی در عرصه کشاورزی

امروزه با افزایش بحران غذا در دنیا و تهدید غذایی ۳۷ کشور جهان بنا به گزارش فائو، نقش مزیت‌های کشاورزی بیش از پیش شاخص شده است. در این میان کشورهایی که بیشترین مزیت را در تولید کالاهای استراتژیک غذایی نظیر گندم، جو، شکر، دانه‌های روغنی و برنج داشته‌اند، بیشترین سود را از این رهگذر به جیب زدند.

آمریکا سال‌هاست که به غول غله دنیا شهرت داشته و حتی گاه برای تنظیم بازار جهانی این محصول، گندم خود را به دریا نیز ریخته است!

در این زمینه دومینیک بیارد، خبرنگار رادیو بین‌المللی فرانسه در لوموند دیپلماتیک می‌نویسد: در تابستان سال ۲۰۰۷ هنگامی که کشاورزان نیمکره شمالی به درو کردن مشغول بودند، قیمت‌ها شروع به بالا رفتن کرد. در اتاق بازرگانی شیکاگو، محلی که برای تعیین قیمت جهانی غله حکم مرجع را دارد، قیمت گندم بین ماه مه و سپتامبر از تنی ۲۰۰ دلار (۱۲۶ یورو) به ۴۰۰ دلار (۲۵۲ یورو) رسید. همین اتفاق در پاریس رخ داد و گندم آسیاب شده در ماه سپتامبر به بالاترین سقف قیمت، یعنی تنی ۳۰۰ یورو رسید. در میانه ماه مارس، هنگامی که ایالات متحده تقریبا کاملا ظرفیت صادرات خود را به پایان رسانده بود، قیمت‌ها باز هم بالاتر رفتند. یک واحد اندازه‌گیری گندم (معادل ۲۷ کیلو) از سطح نمادین ۱۳ دلار فراتر رفت که رکوردی تاریخی محسوب می‌شود. در عرض یک سال، در بازار آمریکا قیمت گندم ۱۳۰ درصد افزایش یافت. در کشورهای پیشرفته، تولیدکنندگان فرآورده‌هایی که از آرد گندم استفاده یا غذای دام تولید می‌کنند و از بالا رفتن قیمت‌ها غافلگیر شده‌اند، به شدت اعتراض دارند.

این در حالی است که از سال‌ها پیش، بین عرضه و تقاضا فاصله به وجود آمده است. ذخایر نهایی- آنچه در سیلوهای کشورهای تولیدکننده قبل از برداشت محصول باقی می‌ماند- کاهش می‌یابد، حال آن که تقاضا بالا می‌رود. بازار دیگر نه از طریق بالا رفتن عرضه، بلکه با استفاده از ذخایر انباشت شده در کشورهای بزرگ صادرکننده، تعادل می‌یابد.

این همان اتفاقی است که سود بازار گندم و سیاست‌گذاری را منحصر به تولیدکننده‌ی بزرگ آن نموده و به نوعی حداکثر استفاده آمریکا از مزیت نسبی تولید این محصول در بازار جهانی است.

این چنین است که کشور آمریکا رکورددار درآمدزایی از ناحیه صادرات کشاورزی است؛ به طوری که در سال ۲۰۰۷ بنابر اعلام وزارت کشاورزی ایالات متحده، میزان صادرات کشاورزی این کشور به ۸۵ میلیارد دلار (۵۳ میلیون یورو) رسید و پیش‌بینی شده است که این رقم در سال ۲۰۰۸ نیز فراتر رود.

کشورهایی نظیر استرالیا، کانادا، برزیل، آرژانتین و برخی از کشورهای اروپایی نیز کمابیش همین وضعیت را دارند و همواره بیشترین بهره را از مزیت‌ها می‌برند و بین خودکفایی به هر قیمت و خوداتکایی با تکیه بر مزیت‌ها، گزینه‌ی دوم را برگزیده‌اند.

استرالیا اکنون غول تولید دام و طیور و لبنیات در جهان است و در تولید غله نیز حرف‌های زیادی برای گفتن دارد.

هلند مهد تولید گل جهان است و در تولید فرآورده‌های دامی و لبنیات نیز صادرکننده عمده‌ای در جهان است. برزیل کشوری است که محصولات کشاورزی مهمترین قلم صادراتی اقتصاد این کشور را دربرگرفته و تمرکز صادرات کشاورزی این کشور بر روی محصولات شکر و دانه‌های روغنی است؛ به طوری که برزیل اکنون ۷۰ درصد شکر دنیا را تامین می‌کند.

غفلت از مزیت‌ها

اکثر کارشناسان اقتصادی معتقدند که خودکفایی یک مقوله‌ی نسبی است و نمی‌توان گفت که باید در همه‌ی محصولات کشاورزی خودکفا شویم؛ اما این بدان معنی نیست که باید همه محصولات کشاورزی براساس مزیت نسبی تولید شود، چون به هر حال تولید محصولات استراتژیکی چون گندم در داخل ضروری است.

شکی نیست که کشورمان از بزرگترین تولیدکننده‌های محصولاتی نظیر پسته، زعفران، خاویار و انار دنیاست و این محصولات- که البته هیچ کدام پسوند استراتژیک را با خود

کشور	مصرف (هزار تن)
چین	۶۵-۵۵
اتحادیه اروپا	۳۰-۲۵
روسیه	۲۵
هند	۱۰
عراق	۱۰-۸
سوریه	۱۰-۸
ترکیه	۸-۵
لبنان	۵
مکزیک	٤
تایوان	۳
۱۰ کشور فوق ۸۰ درصد پسته ایران را مصرف می‌کنند	

به همراه ندارند– از مزایای مهم صادرات کشاورزی کشورمان هستند که متاسفانه در حال و روز مناسبی به سر نمی‌برند.

علاوه بر کاهش حجم پسته قابل عرضه، افزایش قیمت پسته ایران از سه هزار و ۸۰۰ تومان به هفت هزار و ۵۰۰ تومان طی یک سال، بسیاری از بازارهای صادراتی را که به قیمت حساس هستند، به عقب‌نشینی وادار می‌کند.

در این میان کشور چین که با مصرف حدود ۶۰-۶۵ هزار تن در سال زراعی قبل، بزرگترین مصرف‌کننده‌ی پسته ایران بود، تحت تاثیر این افزایش قیمت، پسته‌ی آمریکایی را جایگزین محصول ایرانی کرده و این بازار بزرگ صادراتی را در فصل جاری تا حدود زیادی از دست خواهیم داد.

در سال جاری بازارهای حساس به قیمت، بیشترین واکنش انقباضی را نشان می‌دهند و لایه‌هایی از بازار پسته ایران که قیمت‌محور هستند، لاغر می‌شوند.

چین جزو کشورهایی است که سیاست وارداتی خود را براساس قیمت تعریف می‌کند. همچنین هند و تا حدودی روسیه از دیگر کشورهای حساس به قیمت هستند؛ بنابراین پیش‌بینی می‌شود صادرات پسته ایران به این کشورها با کاهش روبه‌رو شود.

از سوی دیگر کاهش ۶۶ درصدی تولید، حجم محصول صادراتی‌مان را به شدت کاهش داده است. در حالی که سال قبل ۲۷۰ هزار تن پسته تولید شد و صادرات خوبی به بازارهای جهانی صورت گرفت، امسال به دلیل سرمازدگی در فصل بهار، تولید به شدت کاهش یافته و بازار جهانی برای حضور رقبای سرسختی مانند آمریکا مهیاتر شده است. امسال حداکثر ۹۰ هزار تن تولید پسته خواهیم داشت که به اتفاق ۲۵ هزار تن پسته کهنه به پسته جدید احتمالا ۱۱۵ هزار تن پسته برای مصرف و صادرات داریم که در مقایسه با سال قبل ۱۵۵ هزار تن کمتر عرضه خواهیم داشت. پسته سهم هشت درصدی در صادرات غیرنفتی کشور دارد و در سال جاری با افت این سهم، ۵۵۰ میلیارد تومان زیان خواهیم دید.

کاهش شدید تولید پسته در سال جاری تنها منحصر به ایران نبود، بلکه آمریکا نیز با کاهش تولید مواجه است. اما به گفته‌ی رییس کمیسیون کشاورزی اتاق بازرگانی ایران، تنظیم استراتژیک حجم پسته ورودی به بازار، راهکاری برای از دست ندادن بازارهای مصرف است که کشور آمریکا به همین واسطه، امسال هم ذخیره خوبی برای حفظ بازار خود دارد. به طوری که آنها در چند سال اخیر بخشی از پسته‌ی مازاد سال‌آور را تعمدا و با برنامه به سال ناآور منتقل کرده‌اند تا میزان عرضه‌شان به بازار ثابت بماند.

محمدحسین کریمی‌پور یادآور شد: در صورتی که سال قبل این ذخیره‌سازی انجام می‌شد، هم تولیدکنندگان از افزایش قیمت سود می‌بردند و هم قیمت‌ها به صورت متعادل‌تری افزایش می‌یافتند و بازارهای صادراتی کمتر آسیب می‌دیدند.

طلای سرخ رنگ باخته

هنگامی که در سال ۸۴، کشورمان موفق به صادرات ۲۰۲ تن زعفران به ارزش ۱۰۳ میلیون و ۶۰۰ هزار دلار گردید، همگان آینده‌ای روشن را برای این صنعت متصور شدند و در این میان آن را رقیبی جدی برای پسته، دیگر محصول صادراتی منحصر به فرد کشور دانستند. اما متاسفانه نه تنها این گونه نشد، که در سال ۸۵ صادرات به ۱۴۲ تن با ارزش ۷۵ میلیون و ۶۵۰ هزار دلار کاهش یافت و این سقوط آزاد در سال ۸۶ با رسیدن به ۷۶ تن به ارزش ۵۰ میلیون و ۵۳۵ هزار دلار ادامه یافت و بالاخره در شش ماهه نخست سال ۸۷ این میزان به ۴۱ تن با ارزش ۴۸ هزار دلار رسید. کارشناسان کاهش صادرات را در پی افزایش بی‌رویه قیمت این محصول و حذف زعفران از سبد مصرفی برخی کشورهای مصرف‌کننده اعلام کردند که در این راستا صادرات به شرق آسیا به عنوان بزرگترین بازارهای صادراتی قطع شده است.

ارقام هزار تن

سال	تولید	صادرات	مصرف
۸۱	۲۵۰	۱۸۲	۳۰
۸۲	۲۰۵	۱۹۳	۲۵
۸۳	۱۲۸	۱۰۸	۱۵
۸٤	۱۷٤	۱۵۸	۲۰
۸۵	۲۰۵	۱۷۰	۲۵
۸٦	۲۷۰	۲۰۵	۳۵
۸۷ (پیش‌بینی)	۹۰	–	–

تولید پسته ایران از سال ۸۱ تا کنون

این موضوع را محسن احتشام، صادرکننده زعفران نیز در گفت‌وگویی با سرمایه اعلام می‌کند و می‌گوید: هم‌اکنون بازارهای هدف، گرایش بیشتری به زعفران هندوستان، یونان و افغانستان که قیمت آن پایین‌تر از زعفران ایرانی است پیدا کرده‌اند.

این امر البته با توجه به خروج پیاز زعفران ایرانی از کشور– که در ابتدا چیزی شبیه به شایعه و امروز تهدیدی جدی است– ابعاد وسیع‌تری می‌یابد. بخصوص آن که سازمان ملل بودجه‌ای هنگفت را برای تغییر در کشت مزارع خشخاش افغانستان تصویب نموده که بدون شک زعفران با توجه به پتانسیل‌های منطقه و نیروی کار ارزان در این کشور، در اولویت محصولات جایگزین قرار دارد.

توجه به مزیت‌ها و خودکفایی انعطاف‌پذیر

به نظر می‌رسد توجه به مزیت‌ها با توجه به اینکه دنیای کشاورزی امروز اکنون بر دست کشورهایی افتاده است که در یک یا چند محصول سرآمد هستند، ضروری است.

اما در نهایت باید مشخص شود که هدف از خودکفایی در محصولات کشاورزی در کشور چیست و باید بدانیم برای رسیدن به هدفی که در این رابطه تعریف می‌شود و روی آن سیاست‌گذاری شده است، چه مقدار هزینه باید پرداخت شود و با توجه به اینکه قرار است زمان طولانی خودکفایی را در کشور داشته باشیم، بنابراین باید مقوله زمان را نیز شامل این پروسه بدانیم و در این بحث سال‌های طولانی را در نظر داشته باشیم و مشخص کنیم که در این سال‌ها چه میزان هزینه قرار است داشته باشیم.

بدیهی است که در مسیر خودکفایی ممکن است فاکتورهایی مانع از رسیدن به این هدف شوند، که یکی از فاکتورها می‌تواند خشکسالی‌های کشورمان باشد که این وضعیت نشان می‌دهد خودکفایی همیشه یک هدف دست‌یافتنی نیست و باید جایگزینی برای آن پیدا شود و احتمال بدهیم که شاید در سال‌هایی نتوانیم آن محصول را در کشور به اندازه کافی برداشت کنیم.

دکتر ماشاءالله سالارپور، اقتصاددان کشاورزی در این خصوص به ایسنا می‌گوید: باید بتوانیم برنامه‌ای داشته باشیم که این برنامه انعطاف‌پذیر باشد و شرایط مختلفی را که ممکن است وقوع پیدا کند را پیش‌بینی و براساس آن برنامه‌ریزی کنیم و طبق نیازهای خود و امکانات و شرایط و خواسته‌های مردم کشورمان و فاکتورهای دیگر برنامه‌هایی را داشته باشیم که بتوانیم از این برنامه‌ها یکی را انتخاب کنیم و ببینیم که کدام یک از این برنامه‌ها مناسب با شرایط کشورمان است و آن را به‌کار ببریم.

وی با تاکید بر اینکه تحقیقات باید حرف اول را در کشاورزی کشورمان بزند، می‌افزاید: باید تحقیقات از فرم بسته خارج شود و مسایل روز شناخته شده و براساس آن‌ها تحقیقات انجام شود و لزومی ندارد که به دنبال متدهای خاص و پیشرفته‌ای باشیم که نمونه‌ی آن را در کشورهای پیشرفته انجام داده‌اند و محققان بخواهند از این طریق کار جدیدی را انجام دهند.